

یادداشت آیت‌الله ابوالقاسم علیدوست درباره طرح جدید تحول کتب درسی

ادب تحول!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَ اِهْدِنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

به بهانه تحولات اخیر در برنامه‌های درسی حوزه‌های علمیه:

قبل از ورود به اصل بحث، یادکرد از نکاتی ضروری می‌نماید:

۱ - تحول در هر امری به تحول مثبت و منفی تقسیم می‌شود. ایجاد تحول آدابی دارد که اگر آن آداب رعایت نگردد، ارتجاعی مضر به حساب می‌آید. در ادامه به بخشی از این آداب با محوریت ایجاد تحول در برنامه‌های درسی حوزه اشاره می‌شود.

۲ - گفت‌وگوی منطقی، منصفانه و مؤدب، پس از ایجاد هر تحول مصداق **{ إِضْرِبُوا بَعْضَ الرَّأْيِ بَبَعْضٍ }** است که می‌تواند بسیار مفید باشد، چنان که مباحثات فاقد این ارکان کمال، راه به جایی نمی‌برد و مایه دلسردی و ناامیدی ناموجه خواهد بود.

۳ - در ادامه این نوشته، ممکن است برخی حرکت‌ها، کتاب‌ها و درس‌ها مورد ملاحظه و نقد واقع شود. نقد این پدیده‌ها را هرگز! هرگز! نباید نقد صاحبان این پدیده‌ها و قصور یا تقصیر علمی یا سوءنیت ایشان به حساب آورد. اینجانب از طریق این نوشته محبت و احترام خود را به این افراد ابراز می‌دارم و پیشاپیش از جنابشان عذرخواهم. این نوشته بنابر نقد هیچ فرد یا نهادی ندارد و نباید داشته باشد.

۴ - کسانی که حقیر را می‌شناسند، می‌دانند اینجانب همیشه در اقدام نظری و علمی مدافع تحول مثبت و ورود به صحنه‌های جدید فقهی و غیرفقهی بوده‌ام؛ از این رو یادآوری‌های ذیل به معنای مخالفت اینجانب با هر نوع تحول و ورود به ساحت‌های نوپیدا نیست.

آداب ایجاد تحوّل با عنایت به تحوّل در برنامه‌های درسی حوزه.

۱ - ایجاد قدرت بر ارتباط با تراث در دانش‌پژوهان

نمی‌توان انکار کرد که توانایی طلاب و اساتید بر ارتباط با نصوص دینی و متون به ارث رسیده از گذشتگان شرط لازم رشد و به هدف رسیدن محصلان علوم دینی است. البته این پدیده مبارک در همه‌ی ساحت‌های علوم جاری و ساری است و هر حرکتی که این قدرت را تضعیف نماید یا نابود سازد تحوّل مرتجع و مضرّ است. این توانایی در بسیاری از وقت‌ها با کمال و صحیح خواندن متونی فاخر چون «فرائد الاصول»، «کتاب‌المکاسب» و «کفایة الاصول» به دست می‌آید. در این میان هستند دلسوزانی که معتقدند آنچه مهم است القای مطالب علمی با عباراتی ساده و روان است. از این رو با خواندن متونی چون متون مورد اشاره موافق نیستند و این در حالی است که جدا از دانش‌افزایی موردنظر با خواندن این کتاب‌ها، قدرت مزبور نیز موردنظر است. البته طلاب را نباید در متون معماگونه و معقد معطل کرد لکن منصفانه نیست که کتب معروف درسی حوزه‌ها را به این اوصاف، وصف کرد. امروزه نهادهای حوزوی، شورای عالی، مدیریت حوزه‌ها، برنامه‌ریزان درسی یکی از این اولویت‌ها را باید اولویت مزبور قرار دهند، بایسته‌ای که گمان ما چندان مورد توجه نیست، از این رو برخی اقدام‌ها - از جمله اقدامات اخیر - نه تنها به این امر لازم کمک نمی‌کند بلکه به گمان ما - با توضیحی که در ادامه می‌آید - آن را به محاق می‌برد.

۲ - گرانگه تحول در برنامه‌های درسی با انتخاب یا خلق متون واجد کمال

کیست که نداند از ارکان تحول در برنامه‌های درسی، حضور اساتید واجد کمال در آموزش و متون برخوردار از شرایط لازم است. در این نوشته مختصر نسبت به برخی برخوردارهای یک متن آموزشی اشاره می‌شود؛ هرچند اشاره به همه‌ی آن‌ها مورد نظر نیست.

متن آموزشی باید علاوه بر برخورداری از آنچه در شماره قبل بیان شد، دارای هدف، نظم منطقی، تولید شده در بستر زمان مناسب و منسجم باشد، حال باید دید آیا آن چه در مورد مثل مکاسب، فرائد الاصول و کفایة الاصول در طرح جدید اعمال گردید و بدل‌هایی که پیشنهاد شده این ملاحظیات مطمح نظر قرار گرفته یا نه؟

۳- برخی از آسیب‌های طرح

سوگمندان باید گفت طرح مورد نظر برخی از این آسیب‌ها را مطمح نظر قرار نداده است. با این توضیح که حضرات از مجموع ۶ جلد مکاسب با حدود ۲۲۹۰ صفحه اقدام به حذف ۸۱۵ صفحه (حدود ۳۵٪) در ۷۳ مورد کرده‌اند و این در حالی است که حذف بخشی از یک کتاب به این‌گونه از ناموفق‌ترین حذف‌ها است. این رفتار نسبت به فرائدالاصول بیشتر خود را نشان داده است. از حدود ۱۶۵۵ صفحه، ۶۸۸ (حدود ۴۱٪) در ۱۰۳ مورد حذف شده است. واضح است که حذف این چنین، به فخامت، هدف و انسجام متن لطمه می‌زند. کتاب حلقه ثالثه بدیل کفایه‌الاصول معرفی شده است. کتاب مزبور هر چند از نابغه‌ای مثل شهید محمد باقر صدر است و فرض را بر این می‌گذاریم که ایشان کتاب را در فراغ بال نوشته است لکن بیش از نصف این کتاب (حدود ۴۳۰ صفحه از ۸۴۰ صفحه) در ۳۶ روز تألیف شده است. طبیعی است که چنین کتابی -با همه نیکی‌هایی که دارد- نمی‌تواند متن درسی موفقی باشد، هر چند جهت مطالعه و ارجاع، بسیار عالی است. همه کسانی که دستی بر تألیف‌های سترگ دارند، می‌دانند که کتاب -از هر کس به جزء ذات معصوم که باشد- باید در بستر زمان آرام و نه شبانه‌روزی نوشته شود. کتاب درسی باید هدفی را دنبال کند و الا این که چند مسأله محدود از ده‌ها بلکه صدها مسأله انتخاب شود، از تحقیقات جدید و پیشرفته استفاده نشود و بحث‌های غیر کاملی ارائه شود، نباید به عنوان کتاب درسی معرفی شود. نگارنده و آمادگی خود را چه از طریق انجمن فقه و حقوق حوزه و چه از طریق کرسی‌های نقد، برای نقد برخی از آثار جاگرفته در این طرح اعلام می‌دارم.

سوگ آخر

حقیر مدعی هستم که نسبت به توانایی‌های حوزه بی‌خبر نیستم. چنان که نه نسبت به آن تعصب دارم و نه عناد. باید پذیرفت که حوزه‌های علمیه -به ویژه حوزه علمیه قم- توانایی خلق آثاری بسیار محکم، قوی و سترگ درسی را دارد لکن آن چه مانع این کار می‌شود حجاب معاصرت، برخی اقدامات غیر واجد همه شرایط لازم است و تا این فضا حاکم است نباید انتظار تحولی متکامل داشت. امروزه حوزه‌های علمیه قم علاوه بر علوم رایج حوزوی سلف، در فلسفه‌های مضاف، روش‌شناسی علوم، متد اجتهاد و... گام‌های بلندی برداشته که در جای خود از سوی کسانی که بیش از هر کس بر آن‌ها لازم بود می‌دیدند، دیده نشده است.

الحمد لله رب العالمین